نگرشی منطقه‌ای در ارزیابی عملکرد شهر جدید در ایران با تأکید بر تقویت روستاشهرها

دکتر مهدی قرخلو- عضوهیئت علمی دانشگاه تهران
محمود شورچه – دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری

چکیده

ارزیابی عملکرد شهرهای جدید در ایران چه از نوع شهرهای جدید بدون برنامه‌ریزی از قبل (مانند تبدیل نقاط روستایی به شهر) و چه از نوع احداث شهرهای جدید، جهت روشن‌سازی میزان موفقیت و شکست این‌گونه شهرها از اهمیت بالایی برخوردار می‌باشد. نتایج ارزیابی از طریق مقایسه و تحلیل اهداف مشخص‌شده و میزان دستیابی شهرهای جدید به آن اهداف از طریق رویکردی نظری و قضاوت کارکردی حاکی از عدم‌موفقیت این‌گونه شهرها با توجه به اهداف تعیین شده برای آنها بوده است. اگرچه نباید برخی موفقیت‌ها را نادیده گرفت. به دنبال چنین نتیجه‌ای کلی و با توجه به تحلیل ماهیت روابط شهر و روستا و همچنین شیوه و کیفیت نظام ارزش‌افزوده حاکم برروابط شهر و روستا در ایران، « نگرش منطقه‌ای» به شهرهای جدید می‌تواند پایه‌ای جهت افزایش موفقیت این-گونه شهرها در نظرگرفته شود که در آن اهداف هر دو نوع شهر جدید با هم گره خورده و قابلیت‌ها و توان‌های منطقه‌ای به عنوان بستر توسعه و موفقیت شهرهای جدید جهت رسیدن به انتظام فضایی و توسعه جغرافیایی می‌انجامد. به بیان دیگر سیاست‌های رایج در احداث شهرهای جدید به دلیل فقدان دیدگاه فضایی و منطقه‌ای همراه با شکست بوده است از این‌رو در این مطالعه نگرش منطقه‌ای به عنوان یک روش شناسی کارآمد در تحلیل و ارزیابی عملکرد شهرهای جدید در ایران پیشنهاد می‌شود.

واژه گان کلیدی : منطقه، ارزش افزوده، شهرجدید، روستاشهر

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

مقدمه

علیرغم تبدیل بسیارزیاد نقاط روستایی به شهر و افـزایش شـمار آنهـا از ۱۹۹ نقطـــه شـــهری در ســـال ۱۳۳۵ بـــه ۱۰۱۸ نقطـــه شـــهری در ســـال ۱۳۸۵ (رهنمایی،۱۳۸۵) و احداث ۱۸ شهر جدید در ایران تا سال۱۳۸۱، (زیاری، ۱۳۸۲: ۹۵) ما با تعداد محدودی از شهرهایی که واقعـاً موفـق بـوده‌انـد روبـه‌رو هسـتیم. اکثریت شهرهای ایران با هدف خدمات‌رسانی سیاسی-اداری و سرریزپذیری مراکز شهری بزرگ بخصوص پایتخت تأسیس شده‌اندکه نه‌تنها مشکلی را حل نکرده‌اند، بلکه خود نیز باری بر دوش متروپل ناحیه بوده است یا بعنوان مرکز جـذب ارزش افزوده حوزه نفوذ خود بگونه‌ای یکسویه عمل نموده و شهرهای جدید در سـطحی پایین‌تر با مشکلات فراوانی مواجه می‌باشند. با وجودتأکیدفراوان بر رشد منطقه‌ای و شعار برنامه‌ریزی از پایین به بالا، ما هر روزه شاهد پیشی‌گرفتن رشد بر توسعه و کمیت بر کیفیت در شهرهایمان هسـتیم. عـدم‌تعـادل منطقـه‌ای و نبـود عـدالت جغرافیایی در سطح ملی سبب تراکم شهری در مقابل انزوای روستایی شده اسـت این چنین فضایی خود شکل‌دهنده دوگانگی و فاصله طبقه - منطقه‌ای شـدید در کشور شده و باعث رهاشدن بخش زیادی از قابلیت‌های منطقه‌ای گردیـده اسـت. عصر شهر محوری در ایران و عدم توجه به روستاها عصری تمرکزگراست که میـل به قدرتمندی در یک کانون را دارد. علیرغم ایجاد برنامه‌های تمرکززدا، گرایش به تمرکز ماهیتاً تمام معادلات تمرکززدایی را فروریخته است. معلـول‌پـردازی بخـش دیگری از ادبیات و توسعه ما شده است و نهایت تلاش‌ها محـدود بـه رفـع بحـران می‌باشد، بحرانی که سر از یک نادیده‌انگاری برآورده و نـوش‌داروی پـس از مـرگ سهراب چندان نمی‌تواندریشه بحران رابخشکاند. چنین رویکردی‌درجغرافیایی‌ترین شکل خود بر بستر قابلیت منطقه‌ای و پیروی از معادله توانمندسازی تفـاوت‌هـای

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

سازگار بر پایه یک استراتژی قانونمند استوار است. شهر وابسته به بستر جغرافیای خود می‌باشد و همگام با منطقه به پایداری خود ادامه خواهد داد و محل تحقق اندیشه‌های هویت‌مدار انسان‌ها درمحل‌هایشان می‌باشدو به شکل یک ثمره است و نه یک کادویی از طرف انسان‌های ایده‌آلیستی کاذب‌گونه ترقی‌خواه، شهر موجودی زنده است و زندگی بخش و مظروف بدون در نظرگرفتن ظرف منطقه خود صرفاً بارگذاری موقت احساسات است نه یک ثمره عقلانی، مظروف شهر، انسان و مجموعه فعالیت‌های او در یک سیستم اکولوژیکی - زیستی است. در این تحقیق ما ضمن تحلیل و ارزیابی ویژگی‌ها و جایگاه شهر جدید در ایران در دو سطح کلان و خرد تأکید اساسی خود را بر ارائه راهکارها متمرکز کرده‌ایم.

بیان مسئله:

اغلب کشورهای جهان پس ازانقلاب صنعتی بدلیل تحولات سریع تکنولوژیکی، اندیشه، اقتصاد بهره‌برداری و تغییر ساختار نظام‌های فرهنگی و سیاسی دچار تغییرات بسیار اساسی در فرم و فرایند شدند. این تحولات ابتدا در کشورهای شمال و سپس با چند دهه تأخیر در کشورهای جنوب به گونه‌ای دیگر شکل گرفت. از جمله این تحولات بسیار اساسی در شرایط زیست بشر را می‌توان پدیده شهرنشینی دانست که در مقیاس وسیع در حدود چندین دهه سطح جهان را در برگرفت. پدیده شهرنشینی با توجه به تنوعات بستر اقتصادی، سیاسی و اجتماعی خود اشکال گوناگونی را پدید آورده است و ساختارهای حاکم بر روابط سکونتگاههای انسانی شامل شهر و روستا نیز با توجه به بستر زمینه‌ای رابطه بین شهر و روستا دچار تحولاتی ریشه‌ای شده است. تحت‌تأثیر پیشرفت‌های تکنولوژیکی و نظام ارزش افزوده همچنین هدایت این مازاد در نقاط شهری، که

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

بیشترازحوزه پیرامون شهرها (مانندروستاها) تغذیه می‌شد، مرحله‌ای ازقطبی‌شدن شهر را شاهد هستیم که روند حرکت در مسیر توسعه را با چالش‌های اساسی مواجه ساخته است. نحوه برخورد با حل بحرانهای پیش‌بینی نشده حاصل از صنعتی‌شدن در هر نظام اقتصادی- سیاسی و ارائه راهکارهای آن به شکلی مختلف خودرانشان داده است، هرچندبرخی کشورهای‌جنوب‌پیاده‌کردن‌راه‌حل‌های شهری کشورهای شمال را توصیه می‌کنند اما تفاوت‌های ماهوی بین فرآیندها و نظام روابط بین شهر و روستا در کشورهای شمال نسبت به جنوب وجود دارد. برهم‌خوردن نظم فضایی و بروز عدم‌تعادل منطقه‌ای از جمله تبعات تمرکزگرایی بر پایه شهر محوری می‌باشد که در کشورهای در حال توسعه امری رایج است. کشور ما ایران با توجه به زمینه‌های تاریخی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، جغرافیایی و... شکل خاصی از روابط بین شهر و روستا را در نظام فضایی کشور شکل داده است که سبب تضاد منطقه‌ای و نابسامانی در روابط بین شهر و روستا شده است نقطه تمرکز انبوه جمعیت در پایتخت و فاصله بسیار زیاد بین اولین شهر کشور، به لحاظ حجم جمعیتی و تمرکز عملکردی، نسبت به شهرهای درجه دوم در سطح منطقه‌ای، همچنین فاصله زیاد بین متروپل‌های منطقه‌ای با مراکز دیگر در سطوح پایین‌تر کشور اندیشه‌ورزان را بر آن داشت تا راه‌حلی جهت حل بحران شکاف شهری - منطقه‌ای بیابند. بهره‌برداری از توان‌های منطقه‌ای کشور در غالب ایجاد شهرهای صنعتی، بعنوان راه‌حلی جهت کاهش فاصله منطقه‌ای همچنین احداث شهرهای جدید اطراف پایتخت و متروپل‌های منطقه‌ای جهت جذب سرریزهای جمعیتی این مراکز شهری از جمله این راهکارها بوده است. اولین موضوعی که در اینجا به آن پرداخته می‌شود این است که در ارزیابی ساختاری - عملکردی شهر جدید در ایران چه از نوع تبدیل مراکز روستایی به

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

شهر و چه از نوع شهرهای احداث شده، آیا شهرهای جدید در ایران توانسته‌اند با توجه به اهدافی که برای آنها تعیین شده است، موفق و در تعادل فضایی اثرگذار باشند. اگر نبوده‌اند مشکلات و محدودیت‌های موجوددرتحقق موفقیت شهر جدید در ایران چیست؟ اغلب شهرهای جدید در ایران با موفقیت چندانی روبرو نبوده‌اند این عدم‌موفقیت هم شامل شهرهای جدید بدون برنامه از قبل (نظیر تبدیل مراکز روستایی به شهر) و هم شامل شهرهای جدید با برنامه‌ریزی از قبل می‌باشد. متأسفانه بدلیل فقدان ادبیات فضایی و نگاه آمایش به توسعه و داشتن نگرشی بخشی و تجارت‌گونه، ما شاهد موفقیت‌های اندکی در توسعه شهر جدید و نقش این شهرها در نظام سلسله‌مراتب نقاط سکونتگاه‌ها در کشور هستیم. تقلیل‌گرایی شدید در طرح‌های توسعه شهر جدید به سوداگری زمین و نگرشی تجارمنشی به شهرهای جدید احداث شده و تعریف نقشی صرفاً اداری - سیاسی برای آن دسته از مراکز روستایی که با توجه به معیار وزارت کشور به شهر تبدیل می‌شوند نظام سلسله‌مراتب نقاط جمعیتی کشور را آنقدر پیچیده نموده است که گاهی تمام معادلات پیش‌بینی شده موجود در برنامه‌ها را با شکست مواجه می‌سازد. براستی مشکل کجاست؟ چرا ما نمی‌توانیم شهری تأسیس کنیم یا نقطه روستایی را به شهری‌شدن طوری هدایت کنیم تا نظم فضایی را سامان ببخشد؟ بسیاری از شهرهای جدید که احداث شده‌اند نتوانسته‌اند به شهر زنده، پویا و مستقل مبدل شوند هر چند از اولین هدف‌هایمان نیز پویایی اقتصادی، اجتماعی و استقلال شهر جدید بوده است. برخی از شهرهای جدید در ایران صرفاً حالت خوابگاهی به خود گرفته‌اند و برخی دیگر حتی نتوانسته‌اند با توجه به میزان جمعیت پیش‌بینی شده در آنها جاذب جمعیت باشند از طرف دیگر مراکز روستایی نیز که تبدیل به شهر

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

شده‌اند نتوانسته‌اند اهرمی جهت حرکت سطح توسعه به سطحی بالاتر در حوزه نفوذشان باشند.

اهداف تحقیق:

اولین و مهم‌ترین هدف دراین تحقیق بسط نظریات فضایی- منطقه‌ای (نظریه‌گرایی- قیاسی) در ارزیابی عملکرد شهر جدید می‌باشد و از آنجا که نظریات فضایی در تحلیل عملکرد شهرهای جدید در ایران از ادبیات ضعیفی برخوردار می‌باشد از این‌رو این مهم نقطه عزیمت این مطالعه راشکل می‌دهد. دومین هدف، تلاش در جهت شکل‌گیری یک مدل کارآمد و یکپارچه با توجه به فضای عملکردی ملی، منطقه‌ای و محلی در جهت موفقیت ساختاری- عملکردی شهرهای جدید در ایران می‌باشد.

تحلیل موضوع و مسئله در سطح کلان

اولین موضوعی که قبل از هر چیز باید بدان پرداخته شود این است که ما نمی‌توانیم یک شهر را بدون در نظر گرفتن سیستمی که شهر در مسیر جریانات آن قرار دارد موردمطالعه قرار دهیم. مجموعه شرایط حاکم شامل نظام ارتباطات، مسیر مبادلات ارزش افزوده، اندیشه سیاسی حاکم، ارزش‌های فرهنگی موجود، ایدئولوژی، شرایط و ویژگی‌های طبیعی، منطقه‌ای، جایگاه کشور در نظام جهانی و ... همچون سیستمی عمل می‌کند که موفقیت و کارایی و کفایت شهر جدید در ایران چه از نوع شهرهای جدید تاسیس شده و چه از نوع تبدیل مراکز روستایی به شهر را شکل می‌دهد. واقعیت شهر جدید در کشور ایران در چنین مجموعه‌ای رقم می‌خورد. پس اولین استنباط کلی از ارزیابی شهر جدید با چنین

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

روش‌شناسی‌ای، ما را برآن می‌دارد تا دریابیم که به نظر می‌رسد نوعی ناهماهنگی بین شهر جدید (به لحاظ ساختاری – عملکردی) با شرایط حاکم در کشور وجود داردکه چالش‌های بسیار حساس موجود در آن پیش‌بینی‌ها را با خطا همراه می‌سازد. آبشخور نظام حاکم بر شهر جدید و سیستم موجود در کشور از کجاست و دارای کدام ویژگی است که چنین ناهماهنگی را بوجود آورده است؟ و این‌که اساساً ناهماهنگی‌ها ریشه در کدام عوامل دارند؟ ناهماهنگی ممکن است به دو صورت در حالتی کلی بوجود آمده باشد؛ ۱- عدم‌شناسایی دقیق شرایط حاکم بر کشور ۲- عدم‌شناسایی دقیق چگونگی احداث و ماهیت شهر جدید در ایران. بدنبال این دو عامل نداشتن یک برنامه‌ای که بتواند هر دو شرایط را با هم سازگار کند. موضوع عدم‌شناسایی دقیق خود در یک تحلیل بسیارپیچیده جای می‌گیرد. اهداف مکانی، سیاسی، اقتصادی، ایدئولوژیکی و فرهنگی از جمله این عوامل هستندکه مانع درک جامع واقعیت خواهند شد و سبب ایجاد نگرشی تک‌بعدی در یک مجموعه چندبعدی می‌شود دقیقاً بهمین خاطر است که میزان شرایط ناخواسته و پیش‌بینی نشده افزایش می‌یابد. بنابراین اولین سطح ارزیابی در سطح کلان می‌باشد، در این سطح سعی شده است تا چارچوبی کلی ازمجموعه شرایطی که قرار است شهر جدید در آن مکان‌یابی و عملکردی برعهده بگیرد موردارزیابی قرار می‌گیرد. اگرچه ما واقعاً نمی‌توانیم چنین تفکیکی را از شرایط حاکم بدست آوریم زیرا مجموعه شرایط حاکم بر کشور همچون یک ارگانیسم عمل می‌کند که بررسی هر جزء بدون در نظرگرفتن اجزاء دیگر بی‌معنی بنظر می‌رسد اما جهت دستیابی به معرفت مسئله ما بطور ادراکی سطح کلان و خرد را از هم تفکیک می‌کنیم. موضوعات مطرح در سطح کلان بطورکلی از نظر سیاسی شامل منافع ملی، از نظر اقتصادی شامل بالابردن میزان درآمد ملی و بهبود شرایط اقتصادی

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

کشور، از نظر اجتماعی و فرهنگی شامل مقولاتی همچون جایگاه و کیفیت جامعه ایرانی و هویت فرهنگی و اجتماعی و از نظر فضایی بـه طـور کلـی شـامل انتظـام فضایی معقول و اسکان جمعیت برپایه نظام سلسله‌مراتب در سطح ملی، منطقه‌ای و محلی می‌باشد .

جایگاه شهر جدید در میان چنین مقولات کلی و تحلیـل رابطـه موجـود بـین شهر بطور اعم و شهرهای جدید بطوراخص بـا شـرایط کـلان حـاکم بـر کشـور از جمله راهبردهای اساسی در برنامه‌ریزی شهرهای جدید می‌باشد. از آنجـا کـه هـر کدام از موضوعات مطرح شده در سطور قبلی خود می‌تواند موضوعی حجیم جهت تحلیل باشد از این‌رو ما ابتدا در این تحقیق صرفاً از دیدگاهی جغرافیایی و فضایی به ارزیابی عملکرد شهر جدید در نظام روابط فضایی بین شهر و روسـتا در سـطح کلان می‌پردازیم و جایگاه شهر جدیـد را در نظـام سلسـله‌مراتـب فضـایی مراکـز شهری وروستایی موردبازنگری قرارمی‌دهیم. پس درسطحی منطقه‌ای‌وخرد جایگاه شهرجدیدونحوه توسعه‌بخشیدن به آن را موردتحلیل وارزیابی قرار می‌دهیم.

مبانی نظری تحولات رابطه بین شهر و روستا در ایران

از آنجایی که تحلیل از عنوان فوق تحلیلی جغرافیایی است از این‌رو مـا بیشـتر دست به تحلیلی فضایی می‌زنیم و روند تحولات فضایی را دنبال می‌نماییم. شـاید اولین و منسجم‌ترین مبانی نظری درباره رابطه بین شهر و روستا در ایـران نظریـه هانس بوبک (در دهه ۱۹۶۰) باشد که وی بـا آگـاهی از فراینـدهای موجـود در بحث روابط بین ارباب و رعیت دست به این مهم زده است. اولین سؤالی کـه قبـل از هر چیزی در ابتدای ورود به تحلیل نظریه بوبک بیان می‌گردد این است که بـه تعبیری آن نیروی بالقوه موجود در فضای رابطه‌ای بین شهر و روستا در ایران چـه

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

می‌تواند باشد که روزبه‌روز سبب شکاف وتضاد بیشتربین جامعه شهری و روستایی گردیده است. بوبک در جستجوی آن نیروی پتانسیل کشف نشده بـه ایـن نتیجـه می‌رسد که مالکین و زمینداران بردار اصلی این انرژی پتانسیل توسـعه شـهری را شکل می‌دهند. دومین بحث اساسی شامل مکان‌یـابی فضـایی- مکـانی مـالکین و زمینداران در ایران می‌باشد زیرا مالکان بزرگ براساس نظام بهره مالکانـه رایـج در ایران سهم ارزش افزوده بیشتری را نسبت بـه رعیـت دارا مـی‌باشـند و چگـونگی انتقال این سهم ارزش افزوده از روستا به شهر کلیـد حـل ایـن مسـئله مـی‌شـود. مالکان بزرگ جهت مشروعیت‌بخشیدن به خود و حمایت حکومتی از آنان از یـک طرف و ارتباط با تجارموجود در شهرها جهت تبدیل دارایی آنهـا بـه نقـدینگی در ازای حق‌العمل به تجار نیازمند حضور در شهر هستند. اولین نتیجه‌ای کـه از ایـن موضوع گرفته می‌شوداین است که ارزش افزوده بیشتری که نصیب مالک می‌شود به دلیل حضور مالک در شهر بر خلاف اروپا که مالکان در روسـتا بودنـد در شـهر باقی می‌ماند. سؤال سومی که مطرح می شود این اسـت کـه مالکـان نقـدینگی را چگونه مصرف می‌نمایند؟ مالکان یا به شـکلی کـاملاً محافظـه‌کارانـه نقـدینگی را صرف ساخت و ساز مسستغلات، تیمچه، راسته‌ها، اجـاره‌داری و ... مـی‌کننـد کـه اولین شکل رشد شهری در مقابل عدم‌رشد روستایی هویدا می‌گردد و یـا ایـن‌کـه درآمدحاصله را صرف خریدروستاوزمین‌های بیشتری می‌کنند. دراین دوره علیرغم تحولات تدریجی صنعتی‌شدن ایران بدلیل پنداربالابودن ریسک سـرمایه‌گـذاری و محافظه‌کاربودن مالکان، بوروژوازی شکل گرفته در ایران به شکلی منفعل درمقابل قوانین حاکم در دولت آن زمان در یک میدان عمل بسته، فضای حـاکم آن دوران را تحمـل مـی‌نمایـد زیـرا بـورژوازی ایـران بـرخلاف نـوع اروپـایی آن از نـوع سندیکالیستی نبوده تا مطالبات خود را در مقابـل دولـت براسـاس قـانون مطالبـه

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

نماید. نتیجه خفقان در فضای حاکم منجر به مطالباتی از طرف عناصر شهری (بازاریان، مالکین ساکن درشهر، روحانیون و روشنفکران) بر علیه حکومت می‌شود مثلاً بازاریان تمایل به فضای‌بازتری متناسب بانظام اقتصادجهانی‌جهت فعالیت‌های اقتصادی داشتند. روحانیون تمایل به فراگیری علوم جدید از خود نشان می‌دهند، روشنفکران آزادی بیشتری در بیان عقاید، مطبوعات و شیوه مدرن زندگی طلب می‌کردند بنابراین از دیدگاه فضایی محدودیت‌های نظام حاکم برای هر کدام از عناصر شهری و مشروط‌کردن حکومت به رعایت قانون در رابطه با مطالبات آنها منجر به انقلاب مشروطیت می‌گردد. بعبارت دیگر بطورکلی حکومت یک موجودیت بسته داشت در حالیکه لایه‌های بیرون از حکومت موجودیتی باز پیدا کرده بودند و در واقع انقلاب مشروطیت اثبات موضوع شکاف بین حکومت و عناصرجدیدشهری بودکه درپایان حکومت عناصر شهری را جایگزین حکومت‌های ایلاتی می‌کنند. بوبک با آگاهی از این عوامل بحث شهرنشینی و رابطه بین شهر و روستا در ایران را تئوریزه کرد که بعدها در دهه ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۰ با تعدیل‌هایی که ایگن ویرت در آن بوجود آورد آوازه جهانی پیدا کرد (رهنمایی؛ ۱۳۸۵). این در حالی است که بوروژوازی موجود در شهر ایران جرأت تجدد را بطورکامل پیدا نکرده بود. از این‌رو از حدود سال ۱۳۰۰ خود دولت متولی امر تجدد در کشور می‌شود تا دولت بتواند اهداف مشروطیت را در فعالیت‌های نظام جدید جهانی پیگیری کند. پس از مدتی با حضور نفت در درآمد ملی که در انحصار دولت نیز بود، شکل‌گیری بورژوازی مستقل را به تأخیرانداخت وحاکمیت دولت بر مناسبات روابط بین شهر و روستا در ایران نیز بیشتر می‌شود. همسویی حدود ۸۵ درصد از کل درآمد ملی که در دست دولت بود همراه با اندیشه شهر محوری، گفتمان دولت و شهرنشینی را برای امروز شکل داده است. اگر بخواهیم الگویی کلی از

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

روند نظام فضایی حاکم بر روابط شهر و روستا در ایران را از دیدگاه اقتصاد فضایی نشان دهیم شکل کلی آن بدین صورت می‌باشد :

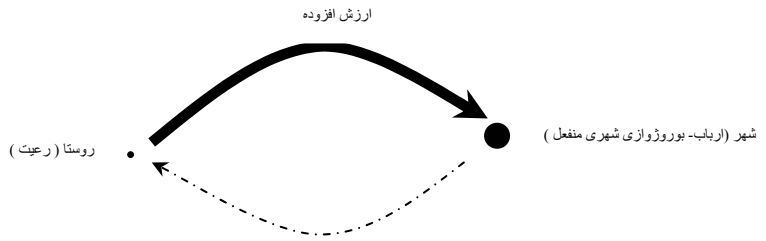

نظام روابط شهر و روستا تا قبل از انقلاب مشروطیت

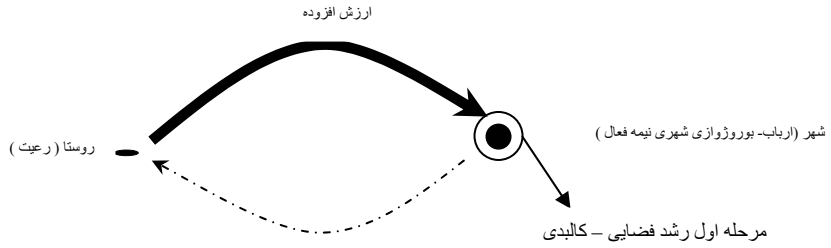

نظام روابط حاکم بر شهر و روستا بعد از انقلاب مشروطیت تا اصلاحات ارضی

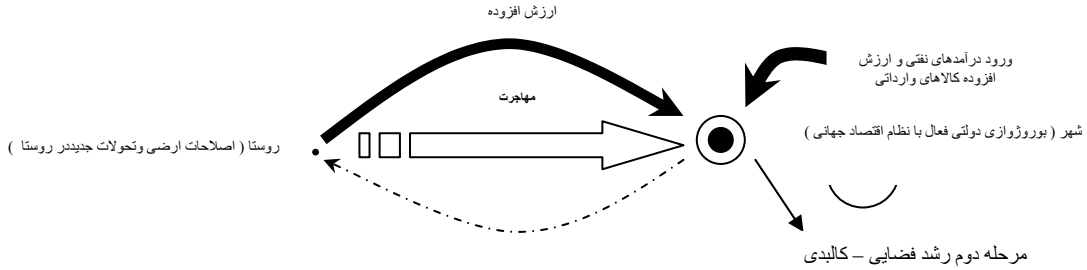

نظام روابط شهر و روستا از اصلاحات ارضی تا کنون

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

بنابراین همان‌گونه که از الگوهای فوق استنباط می‌شود وجود رابطه نابرابر بین شهر و روستا که تحت‌تأثیر فرایندهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی حاکم در جامعه ایران شکل گرفته است ما شاهد شکاف هرچه بیشتر روزافزون بین نظام فضایی شهر و روستا هستیم. تراکم عظیم ارزش افزوده، جمعیت و ساخت و ساز و ورود ارزش افزوده وارداتی در نقاط شهری، بحران مدیریت کلان شهرها را در چند دهه اخیرشکل داده است، بحران مدیریت شهر بیشتر در کلان شهرهای منطقه‌ای بخصوص پایتخت بروز نمود. از این‌رو ایجاد شهرهای جدید اطراف این‌گونه شهرها تحت‌تأثیر الگوهای اقماری ازکشورهایی همچون انگلستان به عنوان راه‌حلی جهت رفع بحران مدیریت شهرنشینی پیش‌بینی نشده و ناخواسته پیشنهاد گردید. شهرهای جدید تأسیس شده اطراف پایتخت و متروپل‌های منطقه‌ای بیشتر جهت جذب سرریز جمعیت تراکم موجود در کلان شهر و جذب مهاجران روستا به شهر به اصطلاح شهرسازی قبل از شهرنشینی در نظر گرفته شد. اگرچه در قانون تأسیس این شهرهای جدید اشتغال، صنعت و استقلال جزء اولین اهداف از احداث تعریف شده است اما شهرجدید اطراف کلان شهر هیچ‌گاه نتوانست آن‌گونه بدان دست یابد. با این حال آنچه در این مطالعه بیشتر بر آن تأکید می‌شود شهرهای جدید از نوع آن شهرهایی است که با نطفه روستایی شروع به رشد نموده و به عنوان یک مرکز سیاسی، اداری و عملکردی در مقیاس ناحیه‌ای و یا حتی منطقه‌ای پیدا می‌کند. تحلیل و ارزیابی این‌گونه مراکز جدید در نظام روابط بین شهر و روستا از اهمیت بسیاربالایی برخورداراست که بیشتر بر آن تأکید داریم. به بیان دیگر این‌گونه شهرها بعنوان ابزاری جهت انتقال ارزش افزوده از مراکز شهری بزرگ به حوزه نفوذ روستایی‌شان و تحول در نظام روابط بین شهر و روستا می‌توانند موردقت و تأکید قرار بگیرند. وجود مراکز شهری جدید با

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

عملکردی سازگار با ویژگی ناحیه‌ای - منطقه‌ای از جمله رویکردهای انتقال ارزش افزوده به مراکز روستایی در مقیاس ناحیه‌ای است که در سطح خرد مورد بررسی قرار می‌گیرد.

تحلیل موضوع و مسئله در سطح خرد

همان‌طور که اشاره شد در کشور ما شهرهای جدید به دو طریق ایجاد شدند :

۱- ساخت شهرهای جدید بر روی زمینی بکر و نوبنیاد که شامل شهرهای صنعتی و اقماری اطراف متروپل‌ها می‌شود .

۲- توسعه سکونتگاه‌ها و نقاط روستایی موجود در قالب یک شهر ناحیه‌ای .

اگر سیاست کشوری در جهت تمرکززدایی از شهرهای بزرگ و سیاست آمایشی - فضایی باشد مانند آن چیزی که درایران مدنظر می‌باشد از این‌رو ایجاد شهرهای جدید از طریق توسعه سکونتگاه‌های موجود یا ایجاد روستا شهرها در یک برنامه بلندمدت بسیار ضروری می‌نماید. در این بررسی هدف این نیست که روستاشهرها به شهرهای بزرگ تبدیل شوند بلکه هدف این است که اشتباهات شهرهای بزرگ و متمرکز جبران و تکرار نشود و این‌که رشد و توسعه این شهرها با توجه به نقش و کارکرد آنها در فضای منطقه برطبق برنامه‌ریزی آمایشی، مدرن و متعادلی کنترل شود. ناگفته نماند تشویق ایده شهرهای میانی و متوسط بعنوان کلیدی موفق برای تعیین خط‌مشی و برنامه‌ریزی منطقه‌ای درکنفرانس بین‌المللی برنامه‌ریزی آمایش و عمران منطقه‌ای که از تاریخ ۱۲ تا ۱۹ مه سال ۱۹۸۴ در شهر برلین آلمان غربی برگزار شد، ارائه گردیده است (آمکچی؛ ۱۳۶۴، ۱) که در این بررسی آنچه از اهمیت بالا برخوردار است نقش و کارکرد شهر در فضای سرزمینی است نه اندازه و حجم آن. در ایران نیز بحث از شهرهای میانی که ما در

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

اینجا از آنها باعنوان روستاشهر یاد می‌کنیم اولین بار بطور رسمی در گزارش‌های آمایش سرزمین (۱۳۶۵) « ستیران » به میان آمده و طبقه‌بندی ۲۵ تا ۲۵۰ هزار نفر را برگزیده‌اند که در مطالعات بعدی نیز پذیرفته شده است (ارجمند نیا؛ ۱۳۶۷، ۲۳- ۲۱). روستاشهرها از طریق نقش‌هایی که می‌پذیرند باعث گریز از قطبی‌شدن، توانمندسازی و اشتغال، ایجاد نظم سلسله‌مراتبی فضایی و آمایشی، رفع دوگانگی و از بین‌بردن شکاف بین تراکم شهری و انزوای روستایی خواهد شد.

اصطلاح روستاشهر :

روستاشهر اصطلاحی مرکب از دوکلمه روستاوشهر است که از آن برداشت‌های متفاوتی می‌شودودرفرهنگ‌های مختلف ازآن بعنوان شهرکشاورزی (agro town)، روستاشهر (agro polis)، شهر کوچک، روستاهای شهری شده و ... نام می‌برند که نشان‌دهنده مراکزی با مزایای محدود شهری و وضعیتی بهتر از روستا و از جهاتی نیزنه شهرونه روستاکه حالت بینابینی را درسلسله‌مراتب سکونتگاهی دارامی‌باشند (نادری ورندی،۱۳۷۸، ۲۵). صاحبنظران دیگری نظیر لوبل، پیر ژرژ، ژاکلین بوژوگارنیه و ژرژشابو، ماکس دروئو، از روستاشهر تعاریف گوناگونی داده‌اند. به بیان دیگر شکل‌یابی روستاشهر می‌تواند شکلی بین توسعه نطفه روستایی واحداث شهر جدید باشد.

ویژگی‌های شهر جدید

ویژگی‌های مکانی: یک روستاشهر قبل از هر چیزی بر بستری محیطی- مکانی کالبد می‌یابد. مکان در اینجا به مفهوم جغرافیایی آن مدنظر است که شامل محیط زیست می‌شود. در محیط زیست که جنبه حیاتی مکان در نظر است

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

(رهنمایی؛ ۷۶، ۱۶۱) شامل محیط طبیعی نظیر آب، خاک مناسب، شیب و توپوگرافی، اقلیم مناسب و... می‌شود. این عوامل ازجمله عوامل اولیه درشکل‌گیری یک روستاشهر می‌باشد. به گونه‌ای که بتواند پایه شرایط زیست را فراهم نماید. ویژگی‌های مکانی به شکلی عمیق تأثیرخود را درویژگی‌های دیگرنظیر ویژگی‌های محیط اجتماعی و محیط مصنوع یا فرهنگ زاد روستاشهر می‌گذارد. در تحلیل یک روستاشهر این ویژگی از اصول اولیه و پایه‌ای بشمار می‌رود .

ویژگی‌های اجتماعی - کالبدی : این ویژگی در روستاشهر شامل آن دسته از روابط و قانونمندی‌های درونی بین عوامل انسانی- طبیعی و انسانی- انسانی است که خود را در ویژگی‌های هنجارها، ارزش‌ها، ادراکات و مفاهیم خاص از محیط مصنوع یا تأثیر در محیط طبیعی به معرض نمایش می‌گذارد. نحوه مکان‌یابی، شکل‌گیری و توسعه کالبد روستاشهر تحت‌تأثیر مناسبات بین انسان و محیط و انسان با انسان در هر منطقه با توجه به ویژگی‌های مکانی- فضایی در روند زمانی منطقه در شکل، فرم و تیپ خاص کالبد و محتوای کیفی کالبد روستاشهر نشان می‌دهد. تعداد جمعیت، کیفیت جمعیت، مناسبات اجتماعی و اقتصادی و شیوه تولید جمعیت، تقسیم کار، فرهنگ، هویت و ... از جمله عوامل می‌باشند که در تحلیل ویژگی‌های اجتماعی روستاشهر به آن پرداخته می‌شود. در کشور ایران با توجه به ویژگی‌های مکانی، کالبدی و اجتماعی بسیارمتنوع در مناطق مختلف و درنظرگرفتن این ویژگی‌های متفاوت و پرهیز از یکسان‌نگری و یکسان‌کاری از اولین اصولی است که باید در برخورد با روستاشهر در نظر گرفته شود. اصولی که بر روستاشهر موجود در منطقه کویری حاکم است بسیار متفاوت با ویژگی‌های حاکم بر روستاشهر منطقه کوهستانی، بندری و دشتی می‌باشد. تفاوت ویژگی‌های محیطی و به تبع آن تفاوت در ویژگی اجتماعی و فرهنگی و شیوه تولید مناطق

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

برای هر روستاشهری در یک ویژگی خاص منطقه‌ای می‌تواند کاملاً متفاوت با روستاشهرهای مناطق دیگر باشد. تنوع اقلیمی درکشور تحت‌تأثیر عوامل برون‌منطقه‌ای، شکل‌گیری ناهمواریها، وسعت و گستره در عرض جغرافیایی بطور کلی اشکال خاصی از فرم و فرایند را شکل داده است که بدون در نظرگرفتن آن فعالیت‌ها صرفاً صرف زمان و هزینه خواهدبود.

مکان‌یابی روستاشهر

آنچه قبل از هر چیز در توسعه روستاشهرها موثر واقع می‌شود مکان‌یابی آنهاست. یعنی این مراکز در چه مکان‌هایی باید قرار گیرد تا بتواند بالاترین کارایی را داشته باشد و بتوانند توسعه یابند. از آنجا که نظم فضایی و توسعه جغرافیایی نظامی سیستماتیک است بنابراین توسعه روستاشهرها با در نظرگرفتن سایر ویژگی‌ها و زیرساخت‌های منطقه می‌تواند موفق عمل نماید. بنابراین با توجه به نیاز و شدت تقاضا برای ایجاد تأسیسات، خدمات عمومی از یک طرف و ارتباط و وابستگی غیرقابل‌انکار این‌گونه خدمات در هر منطقه روستایی با تعمیم عدالت اجتماعی و تأمین رشد و توسعه از طرف دیگر، تعیین ضوابط قابل‌قبول و منطقی جهت انتخاب محل استقرار بهینه چنین خدماتی لازم و ضروری به نظر می‌رسد (سعیدی و دیگران؛ ۱۳۷۰، ص ۱۶-۱۵). بنابراین مطالعه و تحقیق برای دستیابی به توسعه روستاشهرها از طریق مکان‌یابی مناسب جهت ایجاد مراکز و توسعه روستاشهری و سازماندهی ساختار مناسب سلسله‌مراتبی در سطوح پایین سکونتگاه‌های مبتنی بر اقتصاد موجود در منطقه و محل و برخورداری از امکانات وخدمات رفاهی در حدنیازهای اساسی ضروری می‌باشد. بخشی ازاهداف مکان‌یابی تعیین مراکز توسعه روستاشهر در سطح منطقه از طریق شناخت قابلیت‌های

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

طبیعی انسانی و اصلاح ساختار سلسله‌مراتبی در سطح روستاها و تشدید روند توسعه روستایی- منطقه‌ای و ناحیه‌ای همچنین تعدیل نابرابری بین شهر و روستا درکشور می‌باشد که مکان‌یابی درست در جهت توسعه روستاشهرها سبب برقراری یک نظام سلسله‌مراتبی، یک نظام کارآمد جهت ارائه تسهیلات و خدمات تولیدی و مصرفی و کاهش فاصله شهری و روستایی و مهاجرت یکسویه (روستا به شهر) خواهدشد. مدل‌های بکاررفته درتعیین مرکزیت مکانی درکشورشامل‌مدل پتانسیل جمعیتی، مدل جاذبه، ضریب ویژگی، ضریب مرکزیت، شاخص توسعه‌یافتگی موریس، گاتمن و ... می‌شوند. ضعف اساسی این‌گونه مدل‌ها، وضع موجود نگر جهت ارائه خدمات رفاهی و مصرفی است و کمتر به خدمات تولیدی بر پایه قابلیت منطقه تأکید می‌ورزند. مدل‌های تکمیلی دیگر همراه با مدل‌های فوق شامل مدل‌های سرمایه‌گذاری می‌شود. این مدل‌ها بر پایه قابلیت‌های منطقه‌ای، سطح، حجم و ویژگی‌های سرمایه‌گذاری و تولید را تحلیل می‌کند.

توسعه پایدار و ظرفیت کشش روستاشهر

با صرف‌نظر از توصیف تاریخی از شرح مقولات در رابطه با مبحث توسعه پایدار در سطح جهان و به تبع آن در ایران، توسعه پایدار از جمله پارادایم‌های مهم در عصر حاضر می‌باشد و توسعه بدون درنظرگرفتن شرایط پایداری آن اگر نگوییم بی‌معنی اما بسیار تک‌بعدی بنظر می‌رسد زیرا شرایط بهینه در سکونتگاه‌های زیست بشر در حال حاضر در گرو پایداری رابطه انسان با محیط زیست پیرامونش می‌باشد و بدون حفظ و رعایت رابطه متعادل بین ظرفیت‌ها و مظروف‌ها عملاً ما نمی‌توانیم به شرایط موفقیت‌آمیز پایدار دست یابیم که هم نیازهای خود را رفع کنیم و هم توان نسل آتی را در برآوردن نیازهایشان کاهش دهیم. از آنجا که

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

توسعه روستاشهر در درجه اول بر پایه ویژگی‌های منطقه‌ای- محلی می‌باشد لذا در نظرگرفتن اصل تعادل بین میزان و حجم توسعه روستاشهر بعنوان یک مظروف در رابطه با ظرفیت کشش و پذیرش آن بعنوان یک ظرف از اصول اولیه برنامه‌ریزی برای یک روستاشهر می‌باشد. رعایت و حفظ تعادل بین روستاشهر با بستر مکانی فضایی‌اش شامل سه مقوله کلی می‌باشد:

۱- تعادل بین حجم سرمایه‌گذاری و برداشت از قابلیت منطقه‌ای جهت توسعه روستاشهر

۲- تعادل بین میزان و حجم بازخوردهای حاصل از برداشت در یک چرخه اکولوژیکی بر منطقه یا محل که شامل برداشت بی‌رویه، حجم بی‌رویه مواد زائد ناشی از مصرف روستا شهر و صنایع وابسته به قابلیت منطقه یا محل می‌شود.

۳- توسعه فیزیکی یا کالبدی سکونتگاه‌های مربوط به روستا شهر بر بستر مکان و تأثیر تخریبی توسعه کالبدی بر زمین‌های دارای قابلیت بهره‌برداری.

هر منطقه یا ناحیه به لحاظ توان‌های محیطی جهت سرمایه‌گذاری و برداشت ظرفیتی داردکه به آن آستانه کشش گویند. مثلاً اگرماقراراست‌که یک برنامه‌ریزی جهت توسعه روستاشهر داشته باشیم ما نمی‌توانیم هر مقدار حجم از فعالیت و تجمع انسانی را درنظر بگیریم بلکه میزان حجم آن بستگی کامل به میزان توان و ظرفیت کشش محیطی و انسانی آن دارد که در اولین اقدام جهت برنامه‌ریزی روستاشهر باید محاسبه گردد. البته ممکن است که ما ابتدا این محاسبه را انجام داده باشیم اما عوامل برون‌منطقه‌ای و عدم‌کنترل آستانه جمعیتی با توجه به انگیزه‌های شغلی که ممکن است بوجود آید از جمله عواملی هستند که منجر به تراکم بیش از حد جمعیتی در روستاشهر شود. جهت رفع این مشکل ما می‌توانیم

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

مثلاً برنامه‌ای سلسله‌مراتبی برای سطوح بالاتر و پایین‌تر روستاشهر درنظر بگیریم که بخش مازاد بر ظرفیت کشش در محدوده روستاشهر را به سطوح بالاتر یا پایین تر آن در یک فرایند تکمیلی انتقال دهیم. تأکید بر احداث صنایع تکمیلی وابسته به کشاورزی وغیرکشاورزی برپایه قابلیت موجوددر منطقه نظیر بسته‌بندی و فراورده‌کردن محصولات دامی و زراعی، استخراج معادن، گردشگری و ... با حفظ میزان ظرفیت‌ها و برقرارنمودن تعادل بین میزان قابلیت و برداشت از جمله تمهیدات توسعه پایدار منطقه‌ای و رسیدن به نظام فضایی در سطوح ملی، منطقه‌ای و محلی می‌باشد.

ارائه راهکار

احداث صنایع تکمیلی وابسته به توان‌های منطقه‌ای در روستاشهر

در ایران به لحاظ ویژگی‌های متنوع منطقه‌ای هر منطقه جغرافیایی دارای قابلیت‌ها و توان‌های مختلفی است از این‌رو اصول حاکم بر توسعه در هر منطقه نیزمتفاوت می‌شود. بنابراین در ایران ابتدا باید این موضوع مشخص شود که هدف از احداث روستاشهر چیست؟ آیا قرار است مثلاً روستاشهر دریک منطقه کویری توسعه یابد یا کوهستانی و یا دشتی و این‌که اگر در ناحیه کویری است آیا این روستاشهر وابسته به واحه‌ها با قابلیت کاروانسرایی است یا وابسته به استخراج معدن و یا توریستی و هر عامل دیگر و همین طور در مناطق دیگر. احداث صنایع چه از نوع وابسته به کشاورزی یا غیرکشاورزی بسته به نوع خاصی از قابلیت موجود در منطقه در مرحله اولیه خود در کشورمان پیش شرط‌هایی را می‌طلبد که فراهم‌نمودن آن منجر به این می‌شود که در دام معلول‌پردازی گرفتار شویم. از جمله این پیش‌شرط‌ها :

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

۱- فراهم‌بودن بستر مناسب جهت سرمایه‌گذاری بخصوص از طرف بخش خصوصی در روستاشهر.
۲- تعریف دقیق و مناسب حدود اختیارات بخش دولتی و خصوصی و فراهم بودن بستر قانونی و حقوقی مناسب در این زمینه.
۳- حمایت و هدایت یارانه‌های دولتی در جهت سرمایه‌گذاری در روستاشهرها و اجرای واقعی و درست سیاست‌های تشویقی .

پس از طی این مراحل اولیه احداث صنایع تکمیلی می‌تواند از ویژگی‌های زیر برخوردار باشد :

۱- صنعت تکمیلی قابلیت اشتغال‌زایی بالایی داشته باشدو صنایع از نوع صنایع کاربر باشد تا این‌که بیشتر از نوع صنایع سرمایه‌بر .
۲- صنعت تکمیلی بایدقادرباشدافرادبومی خودمنطقه رابه خدمت بگیردو صنایع تکمیلی نباید بسیارفنی و پیچیده باشد که نتواند افراد بومی را جذب نماید.
۳- ارزش افزوده صنعت تکمیلی در چرخه خود منطقه مجدداً سرمایه‌گذاری شود و میزان سود حاصل از سرمایه‌گذاری منطقه‌ای نباید به مراکز شهری بزرگ تا حد امکان انتقال یابد بلکه باید به بهبود شرایط تولید و نیازهای زیستی شاغلین و سرمایه‌گذاری بیشتر منجر شود .
۴- صنعت تکمیلی بیشتر بر اساس قابلیت‌های پایدار باشد نه مقطعی و گذرا. از جمله قابلیت‌های تجدیدپذیر مانند قابلیت‌های کشاورزی. همچنین توان همراهی و همسویی با پیشرفت‌های تکنولوژیکی و فنی روز جهانی را دارا باشد و بتواند کارایی تکنولوژیکی را با بخدمت گرفتن تکنولوژی روز افزایش دهد.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

۵- صنعت تکمیلی با هدف برداشتن تضادها و تحقق عدالت اجتماعی درمنطقه توسعه یابد و سطح اجتماعی و طبقاتی جامعه موجود در منطقه جهت رسیدن به این مهم دقیقاً شناسایی شود.

۶- همسویی‌های فرهنگی، ارزشی و هنجارهای مردم در منطقه موردتوجه قرار گرفته شود زیرا هر منطقه جغرافیایی در ایران دارای آداب، سنن، مذهب، رسوم و اعتقادات مربوط به خود هستند. این ویژگی‌ها باید در جهت افزایش قابلیت‌ها بکار گرفته شود نه در جهت تنش و اصطکاک فرهنگی و ارزشی .

۷- صنعت تکمیلی بتواند منطقه را از انزوای جغرافیایی خارج کرده و زمینه تعامل و ارتباط با سطوح ملی و جهانی را فراهم نماید. صادرات تولیدات منطقه‌ای می‌تواند در بازار رقابت جهانی سهم ارزش افزوده را افزایش داده و در مقیاس جهانی در نظر گرفته شود.

۸- زمینه‌های جذب گردشگر به منطقه را فراهم نماید. مثلاً بخشی از درآمد حاصل از تشکیل صنایع تکمیلی می‌تواند در بخش گردشگری منطقه سرمایه‌گذاری شود. سرمایه‌گذاری در این بخش علاوه بر بحث اقتصادی آن خود می‌تواند عاملی در حفظ شرایط اکولوژیکی منطقه باشد و مانع از ناپایداری‌منطقه گردد. بنابراین بعنوان یک عامل کنترل‌کننده فعالیت بخش صنعتی در چارچوب قانونی آن، در مبحث اکولوژیکی می‌شود.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

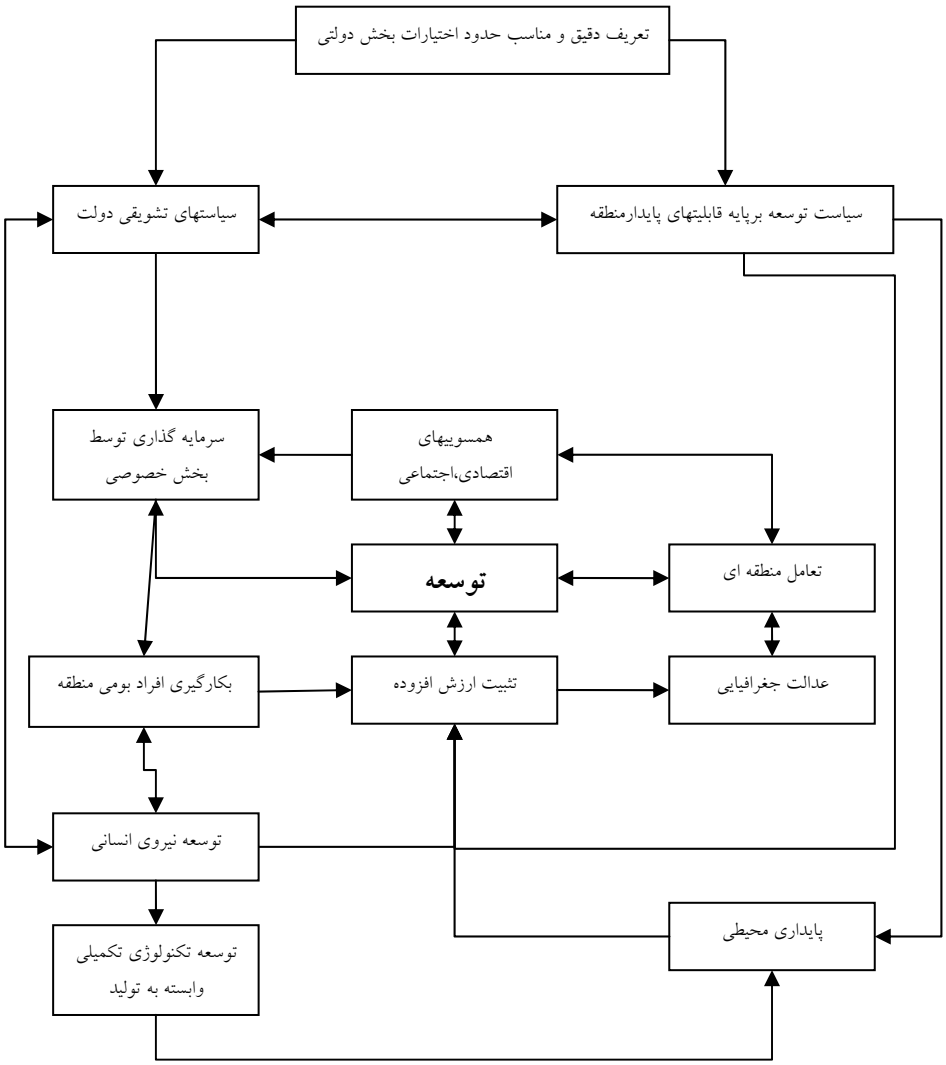

مدل توسعه روستاشهر در سطح کلان

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

همان‌طور که قبلاً گفته شد هر منطقه جغرافیایی در کشور دارای ویژگی‌ها و قابلیت‌های مختلفی است براساس نوع قابلیت‌ها مثلاً کشاورزی، معدن و استخراج، گردشگری و ... نوع و ویژگی صنعت تکمیلی متفاوت می‌باشد و حتی شیوه انتقال ارزش افزوده یک منطقه به مناطق دیگر نیز ممکن است متفاوت باشد و اجبار بر این باشد که سهمی از آن به مناطق دیگر انتقال داده شود. مثلاً مناطق استخراج نفت و گاز میزان ارزش افزوده و درآمد بسیار بالایی را فراهم می‌کند که اضافه درآمددرمنطقه در یک ساختاری هدایت‌گر به مناطق دیگر که قابلیت‌ها وتوان‌های تولیدی و درآمد کمتری دارند منتقل شود. متأسفانه با توجه به تمایل شدید ساختار به تمرکز در پایتخت و متروپل‌های منطقه‌ای همچنین عدم‌سیاست‌های تشویقی مناسب هدایت این ارزش افزوده کمتر با موفقیت همراه بوده است. تمرکز بخش عظیمی از درآمد کشور در دست دولت بخاطر وجود درآمد حاصل از نفت که در انحصار دولت می‌باشد در کشور عملاً بحث توسعه منطقه‌ای به حاشیه رانده شده است. علیرغم اینکه ما در محافل و مجامع توسعه بیانات توسعه منطقه‌ای را با صدایی بلند و رسا شعار می‌دهیم .

نتیجه‌گیری

انتظام جغرافیایی- فضایی در کشور ایران دارای پیچیدگی‌های مخصوص به خودمی‌باشد. آنچه براین پیچیدگی دامن می‌زند، تنوعات و اختلافات بین‌منطقه‌ای در کشور از یک طرف و نظام متمرکز حاکمیت و درآمد در دست دولت بطور کلی از طرفی دیگر می‌باشد. یکسان‌نگری در برنامه‌ریزی و سیاست‌ها و روند از بالا به پایین نمی‌تواند چندان با ویژگی‌های متنوع منطقه‌ای ایران سازگاری داشته باشد و از آنجا که جغرافیایی‌ترین نوع توسعه، توسعه بر پایه قابلیت‌ها و ویژگی‌های

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

منطقه‌ای است از این‌رو رسیدن بـه اصـل انتظـام جغرافیـایی- فضـایی و کـاهش دوگانگی و تضاد منطقه‌ای نیازمند نگرش منطقه‌ای است. احداث شهرهای جدیـد و بخصوص تبدیل مراکز روستایی به شهرها بـدون توجـه بـه توسـعه منطقـه‌ای و مسئولیتی که این روستاشهرها می‌توانند در توسعه منطقه‌ای برعهده بگیرند صرفاً به افزایش کمی تعداد شهرهای مصرفی منجر خواهد شد که نه‌تنها امـر توسـعه را به همراه نخواهد داشت بلکه خود با بارگذاری بیش از حد بر منطقه باری بر دوش منطقه ومانع توسعه می‌شود. تقسیم فعالیت بین مراکز شهری همراه با یک انتظام سلسله مراتبی در مقیاس منطقه‌ای می‌تواند کارایی روستاشهرها را افزایش داده و آنها را در توسعه منطقه‌ای مسئولیت‌پذیر کنـد. کشـف اسـتعدادها و قابلیـت‌هـای منطقه و بهره‌برداری بهینه از این قابلیت‌ها نیازمند اندیشـه و برنامـه‌ریـزی اسـت. احداث صنایع تکمیلی در جهت تکمیل فرایند تولیـد مـواد خـام، فـراورده‌کـردن، بسته‌بندی و ... جهت مصرف و صادرات و جلوگیری از انتقـال بـیش از حـد ارزش افزوده مناطق به پایتخت و متروپل‌های منطقه‌ای از طریق سیاست‌های تشویقی و حمایت دولت گامی اساسی در توسعه منطقه‌ای می‌تواند باشد .

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

منابع و مآخذ:

۱- آمچکی ، حمیده . تشویق ایده شهرهای میانی بعنوان کلیدی موفق در تعیین خط مشی برنامه‌ریزی منطقه‌ای ، گروه برنامه‌ریزی منطقه‌ای و مطالعات آمایش سرزمین ، سازمان برنامه و بودجه ، ۱۳۶۴.

۲- ارجمندنیا ، اصغر . نظام اسکان جمعیت و نقش شهرهای میانه ، مجموعه مقالات سمینار جمعیت و توسعه ، جلد اول ، دفتر جمعیت و نیروی انسانی سازمان برنامه و بودجه ، ۱۳۶۷.

۳- رهنمایی ، محمد تقی . توسعه و محیط زیست ، مجموعه مقالات پژوهش‌ها و قابلیت‌های علم جغرافیا در عرصه سازندگی ، تهران ، ۱۳۷۶.

۴- رهنمایی ، محمد تقی . سمینار درسی " برنامه‌ریزی شهری در ایران" ، دانشگاه تهران ، دانشکده جغرافیا ، ۱۳۸۵.

۵- زیاری،کرامت ا... . برنامه‌ریزی شهرهای جدید ، انتشارات سمت،۱۳۸۲.

۶- سعیدی، عباس و دیگران . طرح سطح‌بندی روستاهای کشور، گزارش یکم ، تهران ، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی ، ۱۳۷۰.

۷- نادری ورندی ، برهان . " توان‌سنجی روستاشهرها بعنوان کانون‌های جدید شهری رد توسعه ناحیه‌ای (ناحیه مورد مطالعه ، شهرستان ساری) " پایان‌نامه کارشناسی ارشد ، دانشگاه تهران ۱۳۷۸.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]